شنود مکالمات آیت‌الله صدوقی به روایت اسناد ساواک

۸

چگونه برگزاری مراسم فرزند امام به فراگیری انقلاب انجامید؟

نوشتن شعار «عضویت در حزب رستاخیز بیعت با یزید است» در مسجد حظیره در فروردین ۱۳۵۴ نشانگر آغاز حرکتی جدید در مسیر مبارزات در شهر یزد بود.

آیت‌الله شهید صدوقی(ره) که به خوبی از میزان استقبال جوانان نسبت به مسائل دینی آگاه بود، تصمیم به توسعه مسجد حظیره گرفت تا با گسترش فضای آن، پذیرای جمعیت بیشتری از مردم متدین شهر باشد. اداره کل سوم ساواک با حساسیت به این کار به ساواک یزد نوشت:

«ضمن ادامه مراقبت از اعمال و رفتار نامبرده بالا در جریان کلیه فعل و انفعالاتی که از ناحیه مشارالیه به منظور خریداری مغازه‌های همجوار مسجد مورد بحث انجام می‌گیرد، قرار گرفته و از نتایج حاصله مرتبا این اداره کل را آگاه سازند.»

شرایط اجتماعی و فضای حاکم بر کشور، خبر از نهضتی فراگیر داشت. از این رو در شعارنویسی‌های پنهانی، محمدرضا پهلوی به طور مستقیم مورد حمله قرار می‌گرفت، مانند آنچه در یکی ازتوالت‌های مسجد مصلای شهر یزد نوشته شد: «ای کاش معاویه زمان کشته می‌شد و یزید پسرش به جای او نمی‌نشست.» و این، نویدبخش حرکتی سراسری بود تا شعارهای حق‌جویی و حق‌طلبی، از پنهان‌نویسی، به آشکارنویسی تبدیل شود.

درگذشت ناگهانی دکترعلی شریعتی در لندن، در ۲۹ خرداد سال ۱۳۵۶ش، هر چند در محیط‌های دانشجویی تهران، با واکنش‌های مختصری روبرو گردید، ولی در دیگر شهرها و خصوصا در شهر یزد، تاثیری نداشت و تنها ارسال نشریه‌ای از آلمان‌غربی، تحت عنوان «در سوگ شریعتی» به آدرس صندوق پستی انتشارات جوادیه گزارش شد. در شهرستان تفت نیز، بر دیوار یکی از مساجد، اعلامیه‌ای دست‌نویس، نصب شد که در آن، درگذشت دکتر شریعتی به سازمان سیا و ساواک نسبت داده شده بود.

جدی‌ترین حرکتی که در این مورد صورت گرفت، شعارهایی بود که در روز ۲۴ شهریور، پس از برگزاری نماز عیدسعید فطر در حیاط مسجد حظیره، به گوش رسید. سر دادن شعار «زنده باد خمینی، زنده باد شریعتی» در این روز، موجب دستگیری فردی به نام «مهدی هادی» شد که باید از او به عنوان اولین فرد دستگیر شده تظاهرات انقلاب اسلامی در یزد یاد کرد.

هنوز مدت زیادی از این حرکت نگذشته بود که با درگذشت شهادت‌گونه آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی(ره)، که امام(ره) از آن به عنوان «الطاف خفیه الهی» یاد کردند، انقلاب اسلامی در سراسر ایران، همگانی و فراگیر و آغازی بر پایان دوران حکومت شاهنشاهی در ایران شد.

با وجود تلاش برای ممانعت از برپایی مجالس ترحیم آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی(ره)، در یزد نیز مانند دیگر شهرهای سراسر کشور، مجالس متعددی تشکیل شد. مراسم اربعین ایشان، که امام خمینی(ره) او را «امید آینده اسلام» خوانده بود، توسط آیت‌الله صدوقی در مسجد حظیره برگزار شد و حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی سخنران آن بود که با عبارات و القابی هیجان‌انگیز، این روز را گرامی داشت:

«این مجلس در این روز بزرگ که عید الله اکبر نامیده شده است به مناسبت چهلمین روز شهادت حضرت آیت‌الله مجاهد حاجی آقامصطفی موسوی خمینی(صلوات حاضرین) فرزند برومند افقه الفقهاء و المجتهدین اعلم العلماء و المتفکرین یگانه دوران و امید شیعیان و نماینده حضرت بقیه‌الله امام اعظم حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقاروح‌الله خمینی(صلوات حاضرین) مده الله بعمر وجوده الشریف روحی له‌الفداء تشکیل یافته است..

شما می‌دانید حاج آقا مصطفی اولا از نظر علمی مردی بسیار بزرگ بوده، کتاب در فقه دارد، در اصول دارد، مردی که فلسفه را خوب فهمیده و خوب درک کرده است و امید شیعه بوده، خیلی بزرگوار، دوستانش از زهدش، از تقوایش، چه حرف‌ها زده‌اند. چه نعمت بزرگی گرفته شده از حوزه‌های علمیه. این مرد با این همه شهرت و بزرگواری، این مردی بود که میلیون‌ها پول اگر می‌خواست می‌آمد زیردستش رد می‌شد: از خلیج‌فارس، از افغان، از هند؛ البته سهم امام؛ این مرد در یک منزل اجاره‌ای که مجموعه وسعتی که داشت به اندازه یک هال منزل من و شما بوده زندگی می‌کرده.»

با برگزاری این‌گونه مراسم، حال و هوای انقلاب اسلامی و مبارزه با ارکان اصلی رژیم پهلوی، در محیط‌های مختلف دانش‌آموزی و دانشجویی، کارگری و کارمندی و بازاری و دیگر اقشار مردم فراگیر شد و برای اولین‌بار در محیط‌های دبیرستانی «فریاد مرگ بر شاه» سر داده شد.

*** با برگزاری مراسم ترحیم حاج آقا مصطفی خمینی، حال و هوای انقلاب اسلامی و مبارزه با ارکان اصلی رژیم پهلوی، در محیط‌های مختلف دانش‌آموزی و دانشجویی، کارگری و کارمندی و بازاری و دیگر اقشار مردم فراگیر شد و برای اولین‌بار در محیط‌های دبیرستانی «فریاد مرگ بر شاه» سر داده شد.**

مراسم اربعین حاج‌آقا مصطفی خمینی(ره)، که امام خمینی(ره) او را «امید آینده اسلام» خوانده بود، توسط آیت‌الله صدوقی در مسجد حظیره برگزار شد و حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی سخنران آن بود.

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

نیمهٔ پنهان

۲۷

۳۱۲۴

دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان

ادوارد براون؛ جاسوس MI6 در پوشش «شرق‌شناس»

عاشقانه‌های براون به چه کسی نوشته شد؟

تشکیلات ماسونی پشت و پناه براون و تقی‌زاده

براون که پس از یک سال اقامت در ایران مدت‌ها قبل به انگلستان بازگشته و اکنون به دلیل موفقیت در ماموریتش بنابر وعده قبلی برکرسی استادی زبان فارسی دانشگاه کمبریج تکیه زده بود، انباشته از اطلاعات و ارتباطات بود. او افراد زیادی را در ایران از طیف، حاکمان و وابستگان به آن‌ها و نیز بابیان و به‌خصوص ازلی‌ها که براون در آغاز و پیش از سفر به عکا حساب ویژه‌ای بر روی آن‌ها باز کرده بود، می‌شناخت. با برخی از سیاستمداران باب دوستی گشوده بود و وقتی انگلستان تصمیم گرفت جریان مشروطه‌خواهی را رهبری کند، دست به کار شد.

براون که به خوبی از مسایل مشروطه آگاهی داشت، ابتدا نامه‌ای به آخوند ملامحمدکاظم خراسانی نوشت و شفاعت تقی‌زاده را کرد اما مرحوم آخوند خراسانی تکفیرنامه تقی‌زاده را ملغی نکرد و از این تاریخ به بعد بود که باب مراوده و حمایت براون از تقی‌زاده با نامه‌نگاری آغاز شد.

البته حمایت براون از تقی‌زاده را تنها نمی‌توان در چهارچوب اقدامات سیاسی انگلستان در رابطه با مشروطیت تعریف کرد؛ چون تقی‌زاده فراماسونر هم بود، رایین در این‌باره توضیح می‌دهد: «در سال‌های اخیر یکمرتبه در شهر شهرت یافت که فراماسونری مؤسسه سیاسی است که انگلیسی‌ها به ریاست سیدحسن‌تقی‌زاده تشکیل داده و حل و فصل کلیه امور معضله ایران را به دست آن سپرده‌اند.»

رایین در توضیح این مطلب ادامه می‌دهد:

«چند سال قبل سیدحسن تقی‌زاده به اتفاق عده‌ای از رجال و فراماسون‌های ایرانی لژ فراماسونری «مهر» را که وابسته به گراندلژ آلمان «ژرمن لژ» بود و به فراماسونری جهانی بستگی داشت، در تهران تأسیس کرد. دامنه تشکیلات این لژ به تدریج توسعه یافت و لژهای دیگری به نام «ستاره سحر» و «آفتاب تابان» تشکیل گردید.»

با توجه به این‌که براون نیز ماسون بود، حمایت او و تشکیلات ماسونی از تقی‌زاده و دوستانش را می‌توان این‌طور نیز تفسیر کرد: «این حمایت‌ها در قالب برادری ماسونی تا اطاعت یک جاسوس (تقی‌زاده) از کارفرمای خود (براون) مورد نظر واقع شده است.»

صمد سرداری‌نیا نیز حمایت براون از تقی‌زاده را در چهارچوب تشکیلات فراماسونری قابل تفسیر می‌داند و می‌نویسد: «از جهاتی می‌توان او (تقی‌زاده) را از افراد عادی برتر دانست. مردی بود با تدبیر، با هوش، موقع شناس، مؤدب، نطاق با نیروی بیانی شایان توجه اما بسیار فرصت‌طلب، متخصص در حسابگری تا به حد یک معامله گر کهنه کار، به‌علت شخصیت مرموزی [که داشت] نمی‌توان از چگونگی و هنگام ورود وی به جرگه فراماسونری به آسانی پرده برداشت اما فراماسون بود و تا پایان عمر یک فراماسونر و وفادار و در حلقه فراماسونری وابسته به بریتانیا باقی ماند و با تمام هوش و درایت خود در خدمتگزاری به استعمار بریتانیا پیش رفت و به پاس خدمات خود عنوان استادمادام‌العمر لژ فراماسونری را به دست آورد.

وی تمایلات لیبرالی در یک فراماسونر وابسته به بورژوازی تجاری ایران را داشت. از جهت کلی مبارزات او در مسیر عمومی سیاست مستعمراتی بریتانیا در ایران پیش می‌رفت. برای او مسئله انقلاب ایران به‌صورت پیروزی جناح انگلیسی طبقه حاکمه، خاصه وابستگان لژ فراماسونری، برجناح رقیب مطرح بود. وی از برکت تلاشی که در نقاب آزادیخواهی در این زمینه مبذول داشت، توانست در بستر افتخارات قهرمانانی راستین همچون علی مسیو و یارانش بخزد و از راه پرده کشیدن بر روی خدمات این انقلابیون حقیقی، کاری که از زمان نگارش «انقلاب ایران» به دست براون آغاز شد و سپس دستگاه‌های تبلیغاتی بزرگ در مدت نیم قرن به آن ادامه دادند، شهرت ناسزاواری را به دست آورد.»

البته نه تنها حمایت براون از تقی‌زاده در قالب حمایت‌های ماسونی؛ بلکه همه روابط مشهور او با ایرانیان بر اساس روابط ماسونی و محفلی و تشکیلاتی بود.

لذا آن چه درباره نقش فراماسونرها در نظام سیاسی ایران چه در دوران مشروطه و چه قبل از آن گفته می‌شود، درباره کلیه روابط براون با مشروطه‌خواهان و نخبگان سیاسی آن دوران، در همین چارچوب قابل تعمیم و تفسیر است. در واقع وقتی سخن از حمایت براون از روشنفکران به میان می‌آید، مقصود همان روشنفکرانی هستند که در چارچوب اندیشه‌های فراماسونری می‌گنجند.

دعوتی که لینچ از تقی‌زاده کرده بود، با نامه براون به تقی‌زاده به سرانجام رسید و براون بی‌آن که او را دیده باشد، دو بیت شعر عاشقانه برایش نوشت و از او دعوت کرد که به لندن بیاید. تقی‌زاده خود در این‌باره می‌نویسد:

«طولی نکشید که براون از مسافرت آمد و خیلی خوشحال شد یک روز بیشتر در لندن نمی‌ماند ولی خواست به کمبریج برود. گفت ناهار را در کلوب من برویم بخوریم، خیلی مهربانی کرد و گفت خیالتان چیست؟ من گفتم: آمدم این‌جا را ببینم. اگر کاری بتوانم پیدا بکنم که وسیله زندگی باشد این‌جا می‌مانم و اگر پیدا نشود، ناچار به پاریس برمی‌گردم.

گفت: فکر کار نکنید. این قابل نیست. بعد گفت:

زیان می‌کند مرد تفسیر دان‌که علم و ادب می‌فروشد به نان

ولیکن تو بستان که صاحب خرد ز ارزان فروشان به رغبت خرد

گفت: شما این‌جا مهمان ما باشید، یک چند که این‌جا هستید با هم بنشینیم وقایع تاریخ گذشته را با هم بنویسیم و هر کمکی ممکن است برای اعاده مشروطیت بکنیم. در افکار عامه این‌جا تبلیغ کنیم ولی آن چه گفت، من قبول نکردم. به قول معروف خیلی خشک بودم. اواخر متحیر ماند چکار بکند؟ به من گفت: خیلی خوب شما در لندن یک چند روزی تأمل بکنید، من بروم به کمبریج آن‌جا ببینم کاری که برای گذراندن زندگی ممکن بشود، اگر پیدا کنم به شما بنویسم. من گفتم که، من اگر این‌جا بمانم و کمبریج بیایم یک رفیقی دارم در پاریس. گفت: بنویس او هم بیاید و یک اسکناس پنج لیره‌ای به من داد که بفرستید برای رفیقتان که بیاید و من به میرزا محمدعلی‌خان [تربیت]نوشتم [و او] آمد.

بعد او نوشت که یک کاری برای شما در کمبریج پیدا کرده‌ام به این‌جا بیایید. وقتی ما به آن‌جا رفتیم، او گفت، کاری که پیدا کرده‌ام این است که در کتابخانه عمومی کمبریج (که کتابخانه بزرگی است) کتب فارسی و عربی درست فهرست نشده است و محتاج به اشخاصی هستند که این زبان‌ها را بدانند و فهرستی برای این‌ها درست بکنند و طریقه فهرست کردن را چنان که میان آن‌ها معمول است، به ما یاد داد. ما در یک پانسیون خیلی ارزان منزل کردیم و روزها را به کتابخانه رفته در آن‌جا مشغول این کار بودیم. غالباً با او یعنی خود پروفسور براون محشور بودم. در این‌جا این جمله معترضه بهتر است گفته شود. چنان که بیان شد امر معیشت ما از این راه می‌گذشت. مرحوم پروفسور قرار گذاشت که ماهی ده لیره به ما داده بشود، در مقابل آن کاری که می‌کردیم. او به بانک سپرده بود که ما آخر هر ماه رفته این وجه را از بانک بگیریم.

دو سه سال بعد از آن وقتی که من در طهران بودم، نسخه‌ای از خطابه‌های مرحوم براون در پاریس را دیدم. فرانسوی‌ها او را برای نطق درباب مشروطیت ایران و غیره دعوت کرده بودند که پاریس برود. او قبول کرده و رفته بود و شش خطابه در آن‌جا خوانده بود که نسخه‌ای از آن چاپ شده بود و برای من ارسال داشته بود. در ضمن بیانات او دیدم که از من حرف‌زده و گفته که فلانی که این‌جا آمد وسیله زندگی نداشت و من هر کاری کردم که به یک نحوی به او کمکی بکنم قبول نکرد، عاقبت مجبور شدم حیله‌ای بکنم و به اسم کتابخانه [او را] مشغول بکنم و تصور کند که پول از کتابخانه می‌رسد. در صورتی که خودش می‌داده است و کتابخانه خبری از آن نداشت. او آدم دارایی بود. پدرش متمول بود. کشتی‌سازی و معدن زغال سنگ داشت خودش هم از پروفسوری عایدی خوب داشت.»

براون همین لطف و مهربانی را درباره دیگر دوستان ایرانی‌اش همچون عیسی صدیق، حسینعلی نواب، محمدعلی خان تربیت و دیگر مشروطه‌طلبانی که به لندن رفته بودند، اعمال کرد.

نامه‌های براون به تقی‌زاده آن چه آمد و...

شنیدم صفات تو عاشق شدم/ به دیده ندیده رخ فرّخت

به یاد تو برخاست صبر از دلم‌چه‌ها خیزد آیا چو بینم رخت

نخستین نامه براون با شروعی این چنین هر خواننده‌ای را طوری به تعجب وا می‌دارد که از خود می‌پرسد، تقی‌زاده‌ای که به‌دلیل عضویت در انجمن آذربایجان و ترور و خشونت تبعید و تکفیر شده است، چه صفاتی دارد که براون آن‌ها را می‌ستاید؟

براون در ادامه از اطلاعاتی می‌نویسد که از تهران برایش رسیده است؟

«از قراری که از طهران نوشته‌اند»

و از مأموریتی که مجبور است آن را به انجام برساند.

«دلم هیچ نمی‌خواهد بروم ولی چاره‌ای ندارم که دولت مرا فرستاده است».

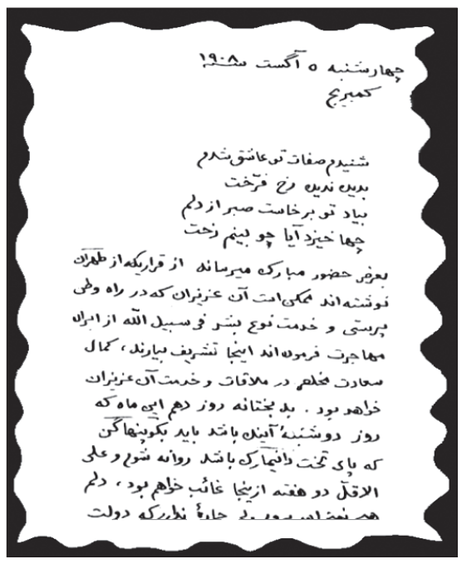

چهارشنبه ۵ آگست ۱۹۰۵
کمبریج

شنیدم صفات تو عاشق شدم
بدیده ندیده رخ فرّخت
بیاد تو برخاست صبر از دلم
چها خیزد آیا چو بینم رخت

بعرض حضور مبارک میرساند از قراریکه از طهران نوشته‌اند ممکن است آن عزیزان که در راه وطن پرستی و خدمت نوع بشر و سبیل الله از ایران مهاجرت فرموده‌اند اینجا تشریف بیارند، کمال سعادت خواهم در ملاقات و خدمت آن عزیزان خواهم بود. بدبختانه روز دهم این ماه که روز دوشنبه آینده باشد باید بکوبنها گن که پای تخت دانیمارک باشد روانه شوم و علی الاقل دو هفته اینجا غائب خواهم بود، دلم همه نخواهد بروم ولی چاره‌ای ندارم که دولت

نامه ادوارد براون به حسن تقی زاده

***« شنیدم صفات تو عاشق شدم/ به دیده ندیده رخ فرّخت» نخستین نامه براون با شروعی این چنین هر خواننده‌ای را طوری به تعجب وا می‌دارد که از خود می‌پرسد، تقی‌زاده‌ای که به‌دلیل عضویت در انجمن آذربایجان و ترور و خشونت تبعید و تکفیر شده است، چه صفاتی دارد که براون آن‌ها را می‌ستاید؟**

*** رایین: «چند سال قبل سیدحسن تقی‌زاده به اتفاق عده‌ای از رجال و فراماسون‌های ایرانی لژ فراماسونری «مهر» را که وابسته به گراندلژ آلمان «ژرمن لژ» بود و به فراماسونری جهانی بستگی داشت، در تهران تأسیس کرد.**

قرار تامین خواسته

به تاریخ ۹۵/۵/۲۶ کلاسه پرونده: ۲۹۲/۹۵/ش۱۱۱ح
مرجع رسیدگی: حوزه ۱۱۱ شورای حل اختلاف لاله‌جین
خواهان/ خواهان‌ها: حسن عبدی فرزند خانعلی- لاله‌جین- میدان شهرداری- پشت درمانگاه- فروشگاه نور
خوانده: حسین محمدی- علی- مجهول‌المکان
خواسته: صدور تامین خواسته
گردشکار: خواهان دادخواستی را به شرح بالا به طرفیت خوانده تقدیم و درخواست رسیدگی و صدور قرار تامین خواسته به استناد مدارک موجود در پرونده را نموده است پس از قبول دادخواست و ثبت به کلاسه فوق قاضی شورا با در نظر گرفتن میزان خواسته مبلغ... ریال را بعنوان خسارت احتمالی تعیین لذا با وصف ایداع مبلغ فوق در وقت فوق‌العاده در حضور/ غیاب، خواهان/ خوانده با بررسی اوراق پرونده بشرح زیر مبادرت به صدور قرار می‌نماید.
قرار تامین خواسته
استناد یک فقره چک بانک سپه
نظر به اینکه خواهان/ خواهان‌ها با تقدیم درخواست، تقاضای صدور تامین خواسته به قبض سپرده شماره... نموده است چون ارکان و شرایط درخواست فراهم می‌باشد لذا قاضی شورا با استناد ماده ۲۹۲ قانون تجارت، مواد ۱۰۸ و ۱۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی قرار تامین خواسته و توقیف معادل مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از اموال خوانده/ خواندگان متضمناً/ بالمناصفه تا پایان رسیدگی را صادر و اعلام می‌دارد این قرار پس از ابلاغ قابل اجرا و ظرف ده روز قابل اعتراض در این حوزه می‌باشد.
م الف ۳۱۷۴ **شورای حل اختلاف شماره ۱۱۱ لاله‌جین**

قرار تامین خواسته

به تاریخ: ۹۵/۵/۲۶ کلاسه پرونده: ۲۹۸/۹۵/ش ۱۱۱ ح
مرجع رسیدگی: حوزه ۱۱۱ شورای حل اختلاف: لالجین
خواهان/خواهان: حسن عبدی - فرزند خانعلی به نشانی لالجین میدان شهرداری پشت درمانگاه - فروشگاه پخش نود ۰۹۰۳۹۷۵۰۷۲۴
خوانده/خوانده‌گان: داراب مرادی - فرزند ملکعلی - نشانی: مجهول‌المکان
خواسته صدور تامین خواسته مطالبه مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال
گردشکار: خواهان دادخواستی را به شرح بالا به طرفیت خوانده تقدیم و درخواست رسیدگی و صدور قرار تامین خواسته به استناد مدارک موجود در پرونده را نموده است پس از قبول دادخواست و ثبت به کلاسه فوق قاضی شورا با در نظر گرفتن میزان خواسته مبلغ ..... ریال را به عنوان خسارت احتمالی تعیین لذا با وصف ایداع مبلغ فوق در وقت فوق‌العاده در حضور/غیاب، خواهان/خوانده با بررسی اوراق پرونده بشرح زیر مبادرت به صدور قرار می‌نماید.
قرار تامین خواسته
استناد: یک فقره چک به شماره ۶۹۷۸۱۷
نظر به اینکه خواهان/خواهان‌ها با تقدیم درخواست، تقاضای صدور تامین خواسته به قبض سپرده شماره..... نموده است چون ارکان و شرایط درخواست فراهم می‌باشد لذا قاضی شورا با استناد ماده ۲۹۲ قانون تجارت، مواد ۱۰۸ و ۱۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی قرار تامین خواسته و توقیف معادل مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال از اموال خوانده/ خواندگان متضمناً بالمناصفه تا پایان رسیدگی را صادر و اعلام می‌دارد این قرار پس از ابلاغ قابل اجرا و ظرف ده روز قابل اعتراض در این حوزه می‌باشد.
۳۱۷۵ م الف **شورای حل اختلاف شماره ۱۱۱ لالجین**

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۱۷۶۹ مورخه ۱۳۹۵/۵/۲۸ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم چمن‌آرا بشناسنامه شماره ۸۴۹ صادره از دزفول فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۶/۲۵ متر مربع پلاک شماره ۲۰۶۳ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز با خریداری از آقای معصومه اژدری و با مالکیت مالک اولیه حسین معصومی می‌باشد تایید می‌نماید.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۶/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۷/۱۲
عباسعلی شوش پاشا
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج
نشانی: کرج ۴۵ متری گلشهر خیابان پونه غربی بعد ازایستگاه مترو
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.sabtteheran.ir، پست الکترونیکی: info.sabtteheran.ir

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۲۱۴۴-۹۵/۴/۱۵ هیئت سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عبدالجبار حردانی فرزند کریم بشماره‌شناسنامه ۴۹۹ صادره از اهواز به شماره‌ملی ۱۷۵۴۷۲۲۹۲۱ در یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۵۵۹ باقیمانده بخش ۳ اهواز خریداری شده موضوع سهام‌های شماره ۲۴۰۸ الی ۲۴۱۱ کوی باغات شاه سهمی آقای حسن ساکی‌پور (مالک رسمی) که طی ارائه قولنامه‌های عادی به متقاضی انتقال یافته محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۹۵/۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۹۵/۷/۱۲
۵/۲۵۵۸ م/الف **اسفندیاری‌نیا- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز**

آگهی فقدان مدرک تحصیلی «نوبت دوم»

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب مجتبی استواری‌زاده فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۴۵۷ متولد ۱۳۶۴ صادره از شوشتر در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته حسابداری با شماره ۱۶۴۳۷۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان ارسال نماید.

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای نصرت‌اله ایرانشاهی با وکالت آقای سیدعلی موسوی دارای شناسنامه ۱۹۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۸۰۵/۳/۹۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان اردلان ایرانشاهی به شناسنامه شماره ۱۵۷۹ در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۶ اقامتگاه دائمی خود به درود زندگی گفته، ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- نصرت‌اله ایرانشاهی، فرزند عبداله، ش‌ش۱۹۲، متولد ۱۳۰۸/۳/۱۰، پدر متوفی، ۲- اعظم جمشیدی، فرزند علی، ش‌ش ۱۳۳۶۴، متولد ۱۳۱۱/۱۰/۹ مادر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
کرامت- رئیس شعبه ۳ شورای حل اختلاف کرج
م‌الف ۴۶۶۰۲

قرار تامین خواسته

به تاریخ ۹۵/۵/۲۶ کلاسه پرونده ۲۹۱/۹۵/ش۱۱۱ح
مرجع رسیدگی: حوزه ۱۱۱ شورای حل اختلاف لالجین
خواهان: حسن عبدی فرزند خانعلی- لالجین- میدان شهرداری- پشت درمانگاه- فروشگاه نور
خوانده: زینب حاجی‌وند- علی‌مردان- مجهول‌المکان
خواسته: صدور تأمین خواسته
گردشکار: خواهان دادخواستی را به شرح بالا به طرفیت خوانده تقدیم و درخواست رسیدگی و صدور قرار تأمین خواسته به استناد مدارک موجود در پرونده را نموده است پس از قبول دادخواست و ثبت به کلاسه فوق قاضی شورا با درنظر گرفتن میزان خواسته مبلغ .... ریال را به عنوان خسارت احتمالی تعیین لذا با وصف ایداع مبلغ فوق در وقت فوق‌العاده در حضور/ غیاب، خواهان/ خوانده با بررسی اوراق پرونده به شرح زیر مبادرت به صدور قرار می‌نماید.
قرار تأمین خواسته
استناد یک فقره چک بانک ملی
نظر به اینکه خواهان/ خواهان‌ها با تقدیم درخواست، تقاضای صدور تأمین خواسته به قبض سپرده شماره ..... نموده است چون ارکان و شرایط درخواست فراهم می‌باشد لذا قاضی شورا با استناد ماده ۲۹۲ قانون تجارت، مواد ۱۰۸ و ۱۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی قرار تأمین خواسته و توقیف معادل مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال از اموال خوانده/ خواندگان متضمناً/ بالمناصفه تا پایان رسیدگی را صادر و اعلام می‌دارد این قرار پس از ابلاغ قابل اجرا و ظرف ده روز قابل اعتراض در این حوزه می‌باشد.
۳۱۷۶م‌الف **شورای حل اختلاف شماره ۱۱۱ لالجین**

ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان مینا گل‌کارقلعه داخواستی به طرفیت خوانده محمدرضا ملوک‌پور به خواسته تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان شهرستان کرج نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی کرج واقع در کرج - میدان نبوت - بلوار ملاصدرا - روبروی پارک نبوت - پلاک ۱۲۴-۱۲۰ ارجاع و به کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۶۱۰۵۰۰۸۳۷ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۵/۸/۱۷ و ساعت ۹:۰۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده محمدرضا ملوک‌پور و درخواست خواهان به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
منشی دادگاه حقوقی شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی کرج
مریم تقوی
م الف ۴۶۶۰۳
کرج - میدان نبوت - بلوار ملاصدرا - روبروی پارک نبوت - پلاک ۱۲۴-۱۲۰

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم آرزو احمدی‌فر دارای شناسنامه شماره ۱۳۱۸۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۵۰۸۹۲/۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فریدون احمدی‌فر بشناسنامه شماره ۴۸۶ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته، ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- طاهره برزگر متولد ۱۳۲۳/۵/۷ ش‌ش ۶۵۹ فرزند احمدعلی همسر متوفی
۲- شاهین احمدی‌فر متولد ۴۷/۶/۱۰ ش‌ش ۵۷۱۱ فرزند فریدون پسر متوفی
۳- آرزو احمدی‌فر متولد ۵۲/۱۱/۲۰ ش‌ش ۱۳۱۸۴ فرزند فریدون دختر متوفی
۴- سمیرا احمدی‌فر متولد ۶۶/۹/۱۴ ش‌ش ۹۶۶۰۴ فرزند فریدون دختر متوفی
۵- شیوا احمدی‌فر متولد ۵۱/۹/۲۴ ش‌ش ۱۰۳۹۸ فرزند فریدون دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراضی دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
رئیس شعبه ۹ شورای حل اختلاف کرج

آگهی احضار خوانده

مشخصات ابلاغ شونده حقیقی:
نام: ناصر نام‌خانوادگی: مستاجران گورتانی نام پدر: حیدر
علت حضور:
در خصوص دعوی گل‌خانم آقائی گنجگانی به طرفیت شما در مهلت مقرر فوق در این شعبه حاضر شوید.
معرفی داور
در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۳۶۴۴۱۰۰۳۴۸ این شعبه به اتهام طلاق به درخواست زوجه تحت تعقیب قرار گرفته است. با عنایت به مجهول‌المکان بودن متهم و در اجرای مقررات ماده ۱۱۵ قانون آئین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا ظرف مهلت ۷ روز از انتشار این آگهی جهت معرفی داور در این شعبه حاضر گردد. بدیهی است در صورت عدم حضور، مطابق مقررات رسیدگی غیابی بعمل خواهد آمد.
متصدی امور دفتری دادگاه شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان سمیرم - صمد صابری

آگهی تغییر نام

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند نام انتشارات شاخص‌پژوه به مدیریت آقای حسن قانونی به شماره پروانه نشر ۱۲۵۰۰ به اسم انتشارات فردای شرق تغییر نام داده شد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی موقت نوبت اول

مدرک تحصیلی اینجانب محمد صفرپور فرزند علی‌اکبر به شماره شناسنامه ۲۲۲ صادره از گرگان در مقطع کارشناسی رشته علوم اجتماعی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی آزادشهر با شماره ۱۸۶/۲۶۰۹ تاریخ صدور ۱۳۸۶/۹/۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه